

F. Jamali, Pro

M.R. Pour Mohammadi, Pro

A. Ghanbri, Phd

E-mail: a_ghanbri@tabrizu.ac.ir

فیروز جمالی، استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز

محمد رضا پور محمدی، استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز

ابوالفضل قنبری، استادیار گروه پژوهشی جغرافیا، دانشگاه تبریز

شماره مقاله: ۷۷۰

شماره صفحه پیاپی ۱۵۹۳۳-۱۵۹۶۲

تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵)

چکیده

هدف این مقاله، تعیین درجه توسعه یافتگی و تحلیل روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران، طی سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ است. در این پژوهش، اطلاعات گردآوری شده در سه سرشماری گذشته برای تمام نقاط شهری استان‌های ایران استفاده گردیده است. روش پژوهش «توصیفی - تحلیلی» است. شاخص‌های مورد بررسی، متشکل از ۵۴ شاخص، شامل شاخص‌های بهداشتی و درمانی، فرهنگی و آموزشی، اقتصادی، زیربنایی و مسکن، ورزشی و در پایان تلفیقی از این شاخص‌هاست، که با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی، درجه توسعه یافتگی و رتبه هر یک از نواحی محاسبه شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای، نقاط شهری استان‌های کشور در هر سه سرشماری گذشته، در سه سطح توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم طبقه بندی شده است. نتایج به دست آمده از بررسی حاضر، نشان می‌دهد که نابرابری‌های ناحیه‌ای در بیشتر زمینه‌ها وجود دارد، با وجود این، در سال ۱۳۸۵، نسبت به سال ۱۳۶۵ در شاخص‌های مورد مطالعه و در نقاط شهری استان‌های ایران از میزان نابرابری‌ها تا حدودی کاسته شده است و در آنها گرایش به تعادل دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نابرابری، نقاط شهری، استان‌های ایران، توسعه.

مقدمه

مطالعه در زمینه نابرابری‌های ناحیه‌ای در سطح دنیا به شکل آکادمیک با کار پژوهشگرانی نظیر؛ ویلیامسون^۱ (۱۹۶۵)؛ سوجا^۲ (۱۹۸۰)؛ اسمیت^۳ (۱۹۸۴)؛ سن^۴ (۱۳۷۹) و پژوهشگران دیگر شدت گرفت. در مورد ایران نیز مطالعاتی توسط پژوهشگرانی، از جمله امیراحمدی (۱۹۸۶، ۱۹۸۷ و ۱۹۹۰)؛ شربت اوغلی (۱۹۹۱)؛ کلانتیری (۱۹۹۶ و ۱۹۹۶)؛ زیاری (۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۱)؛ موسوی (۱۳۸۲)؛ حکمت نیا و موسوی (۱۳۸۳)؛ قنبری هفت چشمه و حسین زاده دلیر (۱۳۸۴)؛ یاسوری (۱۳۸۴)؛ بدری و اکبری‌ان رونیزی (۱۳۸۵) و پژوهشگران دیگر شکل گرفته است.

نابرابری‌های ناحیه‌ای از مسایل عمده و نگران کننده در بیشتر بخش‌های جهان است، از این رو، برای سیاستگذاران، کاهش نابرابری ناحیه‌ای، بخشی از هدف اجتماعی عمومی برای کاهش نابرابری، به طور کلی و نابرابری بین افراد، به طور ویژه است (Dupont, 193-194: 2007). در واقع، نابرابری‌های ناحیه‌ای، تداوم چالش‌های توسعه در بیشتر کشورها را نشان می‌دهد (Shankar & Shah, 2003: 1421). توجه به نابرابری‌های فضایی و بی‌عدالتی فضایی در مطالعه‌های جغرافیایی در طول دهه ۱۹۷۰ نمایان شد و تمایلی نیز به تأثیر سیاست عمومی وجود داشت. بعدها پست مدرنیسم^۵ بر تنوع و تفاوت تأکید کرد و آن را ستود (Smith, 1994). از دهه ۱۹۷۰ دوباره فعالیت جغرافیدانان درباره نابرابری‌ها و موضوع‌های اخلاقی و اجتماعی، نظیر مضمون اخلاقیات عمل حرفه‌ای گسترش یافت (Couclelis, 1999). گسترش توجه، بویژه با مدرک همراه است و در گزارش‌های مختلف و ابتکار عمل‌های سازمان‌های بین‌المللی که بر اهمیت بررسی نابرابری‌های فضایی در داخل و بیرون شهرها و غیر آن تأکید می‌کنند، دیده می‌شود

-
- 1- Williamson
 - 2- Soja
 - 3- Smith
 - 4- Sen
 - 5- Postmodernism

(UNCHS, 1995; The World Bank, 1996; UNDP, 2000; UNDP, 2005; European Commission, 1998; European Communities, 2000). چنانکه مسأله و مشکل نابرابری توزیع فضایی درآمد، فعالیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی، به رغم پیشرفت اقتصاد بین‌المللی در طول پنج دهه پس از جنگ جهانی دوم، تداوم داشته است و موضوع نظری و عملی مهمی به شمار می‌آید. گرچه میانگین توسعه، حالت رو به رشدی را نشان می‌دهد. اما ظاهراً رکود در برخی از کشورهای عقب‌مانده - چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی - باعث شده است که هنوز نواحی عقب‌مانده در داخل این کشورها وجود داشته باشد (Petrakos & Saratsis, 2000: 57). سه دلیل و مدرک مستدل برای تجسم نابرابری جهان معاصر وجود دارد. امروزه حدود ۷۴۲،۲ میلیون نفر بدون دسترسی به بهداشت مناسب و کافی و بیش از ۸۳۰ میلیون نفر به طور جدی دچار سوء تغذیه^۶ هستند. تفاوت میانگین امید به زندگی^۷ در بین کشورهای با درآمد بالا و پایین، ۱۹ سال است. ۱۰ درصد ثروتمندترین جمعیت جهان، تقریباً نصف درآمد جهان را دریافت می‌کند (Held & Kaya, 2007, 1).

گزارش‌های توسعه انسانی نشان می‌دهد علاوه بر این که نابرابری در برخی از شاخص‌ها در میان کشورهای جهان روند رو به رشدی داشته، در داخل کشورهای جهان سوم ملموس‌تر هم بوده و سبب رشد فزاینده کلانشهرها و عقب‌ماندگی تدریجی برخی نواحی شده است. این امر، به کوژهای توسعه و مغاک‌های عقب‌ماندگی در بسیاری از این کشورها منجر شده است. پشین^۸ معتقد است که نابرابری‌های ناحیه‌ای در تمام اشکال و سطوح آن، می‌تواند پیامدهای ناگواری را به همراه داشته باشد (Pacion, 2003: 291). اسناد و شواهد بسیاری وجود دارد که در بسیاری از موارد، نابرابری فضایی، نابرابری

6- Undernourished

7- Life Expectancy

8- Pacion

اجتماعی را تقویت می کند (Skop, 2006: 394). البته، برخی از کشورهای توسعه یافته نیز از این امر مستثنا نیستند. اقتصاد کشورهای جهان سوم به دو بخش سنتی و مدرن تقسیم می شود. بخش مدرن برای ترویج مصرف گرایی در داخل کشورها و تولید برای شرکت های فراملیتی فعالیت می کند و بخش سنتی نیز که در دست اقشار محروم جامعه است، رو به نابودی است. مهاجرت، نتیجه چنین اقتصاد را کدی است که به رشد برخی از شهرها و به زیان شهرهای دیگر منجر گردیده است که در نتیجه آن، این گونه شهرها، امکانات، تسهیلات و سایر زیرساخت ها را به خود جذب کرده و سایر نواحی را از رشد و توسعه باز داشته است. در این میان، علاوه بر عامل اقتصادی، عوامل دیگری، نظیر: عوامل طبیعی، فرهنگی، سیاسی، قومی، نژادی، مذهبی و جز آن، تأثیر بسزایی را می گذارند. بنابراین، در کشورهای جهان سوم با توجه به ضرورت توسعه یکپارچه و متوازن، شناخت ویژگی های نواحی مختلف و نابرابری های آنها، در هر برنامه ریزی، اساس کار محسوب می شود، زیرا در این کشورها، هدف نهایی از تحلیل نظام های ناحیه ای، توزیع مناسب جمعیت و گسترش توسعه اجتماعی - اقتصادی در سطح ناحیه است. به عبارت دیگر، تحلیل نظام های ناحیه ای باید کارآیی و بازدهی فعالیت های اقتصادی را در همه زوایا به همراه عدالت اجتماعی در توزیع امکانات افزایش داده باشد و به شکل عامل محرک فعالیت های اقتصادی و اجتماعی عمل کند.

کشور ایران با شرایط ویژه جغرافیایی و اقلیم های متفاوت، موجب پیدایش چشم اندازهای جغرافیایی متفاوتی گشته و در گذر زمان، فراز و نشیب های فراوانی را طی کرده است. به همین سبب، در نواحی مختلف ایران، امر توسعه یکسان صورت نگرفته و نابرابری هایی در میزان برخورداری از مواهب توسعه، به وجود آمده است (زالی و قنبری، ۱۳۸۳: ۷۸). با توجه به این که، عدالت اجتماعی و محرومیت زدایی، همواره یکی از مهمترین اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و با این شعار روی کار آمده است،

تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵) ۵

رفع عدم تعادل‌های ناحیه‌ای لازم و ضروری است. توجه به توسعه نواحی مختلف و تعادل بین نواحی از دیدگاه برخورداری از امکانات، تسهیلات و سایر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند در راه نیل به اهداف کمی و کیفی، برنامه کلان تخصیص منابع را، تحت تأثیر قرار داده، چارچوب سیاست‌گذاری ناحیه‌ای را سازماندهی کند. از این رو، رفع «نابرابری‌های ناحیه‌ای یکی از مسایل مهم سیاست‌گذاری در برنامه سوم توسعه ایران محسوب می‌شد (نوربخش، ۱۳۸۲: ۹۷).

تحقیق حاضر، پژوهشی درباره روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۵ است. از این رو، شناخت و تحلیل روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۸۵ هدف اصلی مقاله است. برای این منظور، سؤال پژوهشی به این شرح که: «آیا شکاف و واگرایی در نقاط شهری استان‌های ایران در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ کاهش یا افزایش یافته؟» طرح شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش به کار گرفته شده در این پژوهش، «توصیفی - تحلیلی» و رویکرد حاکم بر فضای تحقیق، کاربردی است. جامعه آماری تحقیق، نقاط شهری استان‌های ایران، طی سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۵ بر اساس تقسیمات سیاسی - اداری است. شاخص‌های مورد بررسی ۵۴ شاخص است که شامل شاخص‌های فرهنگی و آموزشی، اقتصادی، بهداشتی و درمانی، زیربنایی و مسکن و ورزشی است. اطلاعات مورد نیاز از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، سالنامه‌های آماری و وب‌سایت سازمان تربیت بدنی و وزارت نیرو جمع‌آوری شده است. ابتدا از طریق روش تحلیلی عاملی ۵۴ شاخص انتخابی به عوامل معنادار تبدیل گردیده؛ به طوری که سهم هر عامل در توسعه انسانی و

نابرابری مشخص شده است. سپس درجه توسعه یافتگی نواحی محاسبه و با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای^{۱۰} و بر مبنای درجه برخورداری حاصل از روش تحلیل عاملی، نقاط شهری استان‌های کشور در هر سه دوره زمانی، در سه سطح توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم طبقه بندی شده اند. با بهره گیری از ضریب پراکندگی^{۱۱} روند و شکاف نابرابری‌های ناحیه‌ای در سال‌های مورد مطالعه، مشخص شده است.

شاخص‌های پژوهش

انتخاب شاخص مناسب برای هر جامعه، بستگی به دسترسی به آمارها، ماهیت و ترکیب جمعیتی و درآمدی آن جامعه، هدف برنامه ریزی و سیاست گذاری و بالاخره انتخاب پژوهشگر دارد (رئیس دانا، ۱۳۸۴: ۱). تعیین شاخص‌ها، مهمترین گام در مطالعات توسعه ناحیه‌ای و در واقع، بیان آماری پدیده‌های موجود در ناحیه است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۱۱). در انتخاب شاخص‌ها، قابل اعتماد بودن شاخص‌ها برای آزمون و ارائه بینش روشن تر به پژوهشگر و آسان بودن آنها مهم است (Amirahmadi, 1987: 157). ذکر این نکته ضروری است که از طریق شاخص‌های مورد مطالعه تنها زوایایی از نابرابری یک ناحیه مشخص می شود و برخی از ابعاد آن به علت ویژگی خاص علوم انسانی، محدودیت در دسترسی به آمار و ضعف روش‌های کمی همچنان پنهان می‌ماند. شاخص‌های مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از:

- شاخص‌های فرهنگی و آموزشی

۱- ضریب باسوادی؛ ۲- ضریب باسوادی زنان؛ ۳- نرخ پوشش تحصیلی؛ ۴- درصد محصلان مرد؛ ۵- درصد محصلان زن؛ ۶- درصد فارغ التحصیلان عالی به ازای هزار نفر؛

10- Cluster Analysis Method

11- Coefficient of Variation

تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵) ۷

۷- درصد فارغ التحصیلان عالی زن به ازای هزار نفر زن؛ ۸- تعداد دانشجویان به ازای هزار نفر جمعیت؛ ۹- تعداد دانشجویان زن به ازای هزار نفر جمعیت زن؛ ۱۰- تعداد کتابخانه به ازای هزار نفر جمعیت؛ ۱۱- تعداد صندلی سینما به ازای هزار نفر جمعیت؛ ۱۲- تعداد آموزشگاه‌های دولتی و غیرانتفاعی به ازای هزار نفر دانش آموز؛ ۱۳- معکوس نسبت دانش آموز به کلاس؛ ۱۴- نسبت کارکنان اداری و دفتری لیسانس به بالای آموزش و پرورش به کل کارکنان.

- شاخص‌های بهداشتی و درمانی

۱- تعداد پزشک عمومی به ازای هزار نفر جمعیت؛ ۲- تعداد پزشکان متخصص به ازای هزار نفر جمعیت؛ ۳- تعداد دندانپزشک به ازای هزار نفر جمعیت؛ ۴- تعداد دکتر داروساز به ازای هزار نفر جمعیت؛ ۵- تعداد پزشک قلب و عروق به ازای هزار نفر جمعیت؛ ۶- تعداد متخصص چشم به ازای هزار نفر جمعیت؛ ۷- تعداد متخصص زنان و زایمان به ازای هزار نفر جمعیت؛ ۸- تعداد تخت مؤسسات درمانی به ازای هزار نفر جمعیت؛ ۹- تعداد مراکز رادیولوژی به ازای یکصد هزار نفر جمعیت؛ ۱۰- تعداد مراکز فیزیوتراپی به ازای یکصد هزار نفر جمعیت؛ ۱۱- تعداد داروخانه به ازای یکصد هزار نفر جمعیت؛ ۱۲- تعداد آزمایشگاه تشخیص طبی، دارویی، غذایی و بهداشتی به ازای یکصد هزار نفر جمعیت.

- شاخص‌های زیربنایی و مسکن

۱- درصد واحدهای مسکونی دارای برق؛ ۲- درصد واحدهای مسکونی دارای تلفن؛ ۳- درصد واحدهای مسکونی دارای آب لوله کشی؛ ۴- درصد مساکن دارای گاز لوله کشی؛ ۵- درصد مساکن بادوام (اسکلت فلزی و بتون آرمه)؛ ۶- درصد کارگاه‌های صنعتی استان نسبت به کل کشور؛ ۷- درصد هتل‌های نقاط شهری استان به کل کشور؛ ۸- تعداد پروانه بهره برداری صنعتی نسبت به کشور؛ ۹- تعداد اتاق (دارای چهار اتاق و بیشتر)؛ ۱۰- تعداد نفر در اتاق (۳ نفر و کمتر)؛ ۱۱- معکوس خانوار به مسکن.

- شاخص‌های اقتصادی

۱- درصد شاغلان نسبت به کل جمعیت؛ ۲- درصد شاغلان بخش صنعت (ساخت) به کل شاغلان؛ ۳- درصد شاغلان بخش معدن به کل شاغلان؛ ۴- درصد شاغلان حمل و نقل و ارتباطات به کل شاغلان؛ ۵- درصد شاغلان دارای تحصیلات عالی نسبت به کل شاغلان؛ ۶- درصد شاغلان دارای تحصیلات عالی زن نسبت به کل شاغلان؛ ۷- معکوس نرخ بیکاری؛ ۸- نرخ مشارکت زنان؛ ۹- درصد قانونگذاران و مقام‌های عالی رتبه به کل شاغلان؛ ۱۰- درصد ارزش افزوده معدن نسبت به کل کشور؛ ۱۱- درصد ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی نسبت به کل کشور؛ ۱۲- درصد بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی به کل جمعیت؛ ۱۳- معکوس بار تکفل.

- شاخص‌های ورزشی

۱- سرانه ورزشی؛ ۲- تعداد مربیان زن به ازای ده هزار نفر جمعیت زن؛ ۳- تعداد ایستگاه‌های ورزشی همگانی ناحیه به ازای یکصد هزار نفر جمعیت؛ ۴- تعداد هیأت‌های ورزشی فعال ناحیه به کل هیأت‌های ورزشی شهری کشور.

تشریح ابعاد و اجزای تحلیل عاملی

برای سنجش سطوح توسعه نقاط شهری استان‌های ایران ۵۴ شاخص استفاده قرار گرفته است. برای تفکیک و دسته بندی شاخص‌ها از روش تحلیل عاملی براساس تجزیه مؤلفه‌های اصلی و چرخش وریماکس^{۱۲} استفاده شد که نتایج آزمون KMO و B.T.S در هر کدام از دسته بندی‌ها نشان می‌دهد که کفایت نمونه‌گیری حاصل شده و تفکیک عامل‌ها به درستی انجام پذیرفته است. همچنین شاخص‌های مندرج در هر عامل از

تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵) ۹

همبستگی بالای برخوردارند. در جدول (۱)، (۲) و (۳) تعداد ابعاد قابل قبول براساس مقادیر ویژه و درصد تبیین واریانس تجمعی آنها مشخص شده است.

جدول ۱: ابعاد اجزای تحلیل عاملی، سال ۱۳۶۵،

درصد واریانس تجمعی	مقدار ویژه	تعداد عامل‌ها	سال ۶۵ بخش‌ها
۶۹/۶۶۳	۳/۳۰۷	۳	بهداشتی و درمانی
	۲/۹۰۵		
	۲/۱۴۸		
۷۹/۴۵۶	۲/۸۴۲	۵	اقتصادی
	۲/۶۷۴		
	۲/۰۵۲		
	۱/۴۲۹		
	۱/۳۳۳		
۸۰/۴۱۴	۴/۴۸۴	۳	فرهنگی و آموزشی
	۴/۳۵۱		
	۲/۴۲۳		
۷۵/۴۲۱	۱/۸۲۷	۲	ورزشی
	۱/۱۹۰		
۷۱/۷۸۰	۲/۴۴۰	۴	زیربنایی و مسکن
	۲/۱۳۷		
	۱/۹۸۷		
	۱/۳۳۲		

جدول ۲: ابعاد اجزای تحلیل عاملی، سال ۱۳۷۵

درصد واریانس تجمعی	مقدار ویژه	تعداد عامل‌ها	سال ۷۵
			بخش‌ها
۷۳/۷۱۵	۲/۷۲۵	۴	بهداشتی و درمانی
	۲/۵۷۱		
	۲/۲۹۹		
	۱/۲۵۱		
۸۵/۴۸۸	۲/۵۳۶	۶	اقتصادی
	۲/۱۹۷		
	۱/۸۳۸		
	۱/۷۵۰		
	۱/۵۸۷		
	۱/۲۰۵		
۷۹/۶۵۹	۴/۶۸۵	۳	فرهنگی و آموزشی
	۳/۸۹۲		
	۲/۵۷۶		
۷۳/۴۵۸	۱/۸۶۶	۲	ورزشی
	۱/۰۷۲		
۶۴/۰۵۲	۳/۰۲۳	۳	زیربنایی و مسکن
	۲/۵۷۶		
	۱/۴۴۶		

جدول ۳: ابعاد اجزای تحلیل عاملی، سال ۱۳۸۵

درصد واریانس تجمعی	مقدار ویژه	تعداد عامل‌ها	سال ۸۵
			بخش‌ها
۶۸/۴۳۲	۳/۴۱۴	۳	بهداشتی و درمانی
	۲/۴۹۲		
	۲/۳۰۶		
۷۸/۱۵۱	۳/۰۲۰	۵	اقتصادی
	۲/۵۶۷		
	۱/۹۳۶		
	۱/۳۶۱		
	۱/۲۷۶		
۸۲/۳۳۹	۵/۳	۴	فرهنگی و آموزشی
	۳/۰۱۱		
	۲/۰۴۳		
	۱/۱۷۳		
۷۲/۹۳۱	۱/۷۷۵	۲	ورزشی
	۱/۱۴۲		
۶۷/۲۸۲	۳/۵۴۹	۳	زیربنایی و مسکن
	۲/۲۰۵		
	۱/۶۴۸		

مأخذ: نگارندگان

تعیین درجه توسعه یافتگی نقاط شهری استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۶۵، ۷۵ و ۸۵ کشور جمهوری اسلامی ایران بر اساس تقسیمات اداری - سیاسی در سال ۱۳۶۵، دارای ۲۴ با ۴۹۶ نقطه شهری استان بوده است. با استفاده از روش تحلیل عاملی درجه توسعه یافتگی نقاط شهری استان‌های ایران بررسی و رتبه هر ناحیه در بخش‌های مختلف مشخص شده است. بر مبنای محاسبات صورت گرفته، با این که نقاط شهری استان کهگیلویه و بویراحمد در شاخص‌های بهداشتی و درمانی به عنوان برخوردارترین ناحیه شناخته شد، ولی در پایان با توجه به شاخص‌های تلفیقی توسعه نقاط شهری استان‌های سمنان و تهران، به عنوان برخوردارترین نواحی و استان‌های سیستان و بلوچستان، لرستان و کردستان به عنوان محرومترین ناحیه مشخص شده‌اند (جدول ۴). آنچه از جدول (۴) استنباط می‌شود، این است که تقریباً یک نوع همگرایی و تجانس بین نقاط شهری استان‌ها دیده می‌شود؛ با این تفاوت که تقریباً تنها در شاخص‌های ورزشی نوعی واگرایی و شکاف بین ناحیه‌ای وجود دارد. تنوع شاخص‌ها در زمینه‌های بهداشتی و درمانی، فرهنگی و آموزشی، اقتصادی، زیربنایی و مسکن و ورزشی، گویای آن است که نابرابری در بیشتر زمینه‌ها وجود دارد؛ با این تفاوت که در شاخص‌های مورد مطالعه و در نقاط شهری استان‌های ایران این نابرابری تا حدودی کم است و گرایش به همگرایی دارند.

در پایان می‌توان گفت نقاط شهری استان‌های مرکزی کشور به دلیل مرکزیت اداری - سیاسی، مسایل اقتصاد سیاسی، تمرکزگرایی، بخش‌گرایی و جز آن، در برخی موارد با وجود نبود توان‌های طبیعی توانسته‌اند سرمایه‌گذاری‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی را به خود جذب کنند. بنابراین، با این شرایط نابرابری‌های ناحیه‌ای و گسترش روز افزون آن دور از انتظار نخواهد بود. البته، شایان ذکر است که جنگ ایران و عراق نیز در عقب ماندگی برخی از استان‌های غربی در این دوره تأثیر بسزایی داشته است.

تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵) ۱۳

جدول ۴: رتبه بندی استان‌های کشور در شاخص‌های توسعه در سال ۱۳۶۵

نام استان	بهداشتی و درمانی		فرهنگی و آموزشی		اقتصادی		زیربنایی و مسکن		ورزشی		تلفیقی		
	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	
آذربایجان شرقی	۱۴	۱۱/۶۰	۱۹	۱۰/۷۶	۱۹	۱۸/۵۶	۱۴	۱۵/۷۷	۱۴	۷/۴۴	۱۵	۶۴/۱۳	
آذربایجان غربی	۱۷	۱۰/۹۹	۱۸	۱۰/۷۷	۱۵	۲۲/۱۹	۱۸	۱۴/۵۳	۱۷	۷/۳۶	۱۸	۶۲/۸۶	
کرمانشاه	۱۹	۱۰/۶۳	۲۱	۱۰/۳۹	۲۳	۱۷/۰۵	۱۹	۱۴/۱۵	۵	۸/۳۳	۲۱	۶۰/۵۵	
بوشهر	۱۶	۱۱/۱۹	۱۲	۱۱/۳۸	۱۸	۱۸/۸۵	۱۳	۱۵/۹۴	۷	۸/۱۸	۱۴	۶۵/۵۵	
چهارمحال و بختیاری	۱۲	۱۲/۱۲	۱۰	۱۲/۷۳	۱۰	۱۹/۸۶	۱۵	۱۵/۶۱	۱۲	۷/۵۱	۱۲	۶۷/۸۳	
اصفهان	۷	۱۳/۲۷	۱۷	۱۰/۹۴	۷	۲۰/۴۴	۴	۱۸/۱۷	۱۵	۷/۴۲	۹	۷۰/۲۳	
فارس	۹	۱۲/۸۲	۸	۱۳/۱۵	۱۱	۱۹/۴۱	۱۰	۱۶/۲۶	۲۰	۷/۲۰	۱۱	۶۸/۸۳	
ایلام	۱۸	۱۰/۹۱	۲۰	۱۰/۷۶	۲۱	۱۸/۴۵	۲۴	۱۲/۵۹	۶	۸/۲۹	۲۰	۶۱	
گیلان	۸	۱۳/۲۵	۳	۱۴/۲۷	۹	۲۰/۲۸	۱۲	۱۶/۰۷	۹	۷/۹۴	۷	۷۱/۸۲	
کرمان	۱۳	۱۲/۰۶	۵	۱۴/۱۱	۵	۲۲/۴۳	۵	۱۸/۰۹	۲۱	۷/۰۵	۵	۷۳/۷۴	
خراسان	۲۰	۱۰/۲۱	۱۱	۱۱/۶۸	۱۲	۱۹/۴۰	۸	۱۷/۱۷	۳	۱۰/۶۲	۱۰	۶۹/۰۸	
خوزستان	۲۳	۹/۵۲	۱۶	۱۱/۱۶	۱۳	۱۹/۳۳	۲۰	۱۴/۱۵	۲۳	۶/۸۷	۱۹	۶۱/۰۲	
کردستان	۲۱	۱۰/۱۳	۲۳	۹/۳۳	۲۲	۱۷/۱۰	۲۲	۱۳/۳۳	۱۱	۷/۷۱	۲۴	۵۷/۶۱	
کهگیلویه و بویراحمد	۱	۱۶/۰۷	۱	۱۵/۱۶	۲	۲۳/۵۰	۲۳	۱۲/۷۵	۴	۸/۷۰	۳	۷۶/۱۷	
سمنان	۳	۱۴/۱۵	۲	۱۴/۶۹	۲	۲۶/۲۲	۱	۱۸/۷۱	۲	۱۰/۷۶	۱	۸۴/۵۳	
سیستان و بلوچستان	۱۱	۱۲/۲۱	۸/۸۱	۲۴	۱۸/۴۹	۲۰	۱۳/۷۵	۲۱	۷/۰۳	۲۲	۶۰/۲۹	۲۲	۶۰/۲۹
تهران	۴	۱۳/۴۶	۴	۱۴/۱۵	۳	۲۳/۳	۱	۱۹/۸۱	۱	۱۲/۴۳	۲	۸۲/۸۸	
زنجان	۱۵	۱۱/۲۹	۱۵	۱۱/۲۶	۱۴	۱۹/۲۳	۱۱	۱۶/۱۹	۲۴	۵/۹۲	۱۶	۶۳/۸۹	
لرستان	۲۴	۸/۷۳	۲۲	۱۰/۲۵	۲۴	۱۶/۹۴	۱۷	۱۴/۷۳	۱۳	۷/۴۸	۲۳	۵۸/۱۲	
مازندران	۲	۱۴/۲۶	۹	۱۳/۰۷	۶	۲۰/۷۴	۷	۱۷/۷۰	۱۹	۷/۲۵	۶	۷۳/۰۱	
مرکزی	۱۰	۱۲/۴۲	۷	۱۳/۲۳	۸	۲۰/۳۷	۶	۱۷/۸۷	۱۰	۷/۸۴	۸	۷۱/۷۳	
همدان	۲۲	۱۰/۰۲	۱۴	۱۱/۲۷	۱۶	۱۹/۱۰	۱۶	۱۵/۳۴	۸	۷/۹۹	۱۷	۶۳/۷۱	
هرمزگان	۵	۱۳/۳۸	۱۳	۱۱/۳۸	۱۷	۱۸/۹۷	۹	۱۶/۶۷	۱۶	۷/۳۸	۱۳	۶۷/۷۸	
یزد	۶	۱۳/۳۲	۶	۱۳/۳۰	۴	۲۳/۰۳	۳	۱۸/۶۷	۱۸	۷/۳۳	۴	۷۵/۶۴	
ضریب پراکندگی	-	/۱۴	-	/۱۴	-	/۱۱	-	/۱۳	-	/۱۸	-	/۱۱	

در سال ۱۳۷۵، تعداد استان‌های کشور با اضافه شدن استان‌های اردبیل و قم به ۲۶ استان افزایش یافت و تعداد نقاط شهری به ۶۱۴ شهر رسید. بر اساس جدول (۵)، نتایج یافته‌ها بیانگر آن است که در بالای سلسله مراتب سطوح توسعه نقاط شهری استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های تلفیقی، تغییرات چندانی ایجاد نشده است؛ چنان که نقاط شهری تهران و سمنان در بالای سلسله مراتب است و تنها تغییر در میانه سلسله مراتب سطوح توسعه دیده می‌شود که بر اساس آن نقاط شهری استان‌های ایلام، آذربایجان شرقی، همدان و زنجان از ردیف استان‌های محروم جدا و به استان‌های نیمه توسعه یافته صعود پیدا کرده‌اند. همچنین بر اساس جدول (۵)، با آنکه نقاط شهری استان قم در شاخص‌های بهداشتی و درمانی، نقاط شهری استان یزد در شاخص‌های فرهنگی و آموزشی و نقاط شهری استان اصفهان، در شاخص‌های زیربنایی و مسکن در ردیف رتبه‌های اول و دوم قرار دارند، در پایان نقاط شهری استان‌های تهران و سمنان هستند که با توجه به شاخص‌های تلفیقی در ردیف بالای سلسله مراتب سطوح توسعه نقاط شهری استان‌های کشور قرار گرفته‌اند. با توجه به جدول (۵) تقریباً در همه شاخص‌ها، به غیر از شاخص‌های ورزشی، همگرایی بین نقاط شهری استان‌های ایران دیده می‌شود. چنانکه در شاخص‌های تلفیقی، تجانس و همگرایی از همه شاخص‌های توسعه بیشتر است و این امر نشان دهنده این است که همگرایی بین نقاط شهری استان‌های ایران نسبت به سال ۱۳۶۵ بیشتر شده است. بر اساس تقسیمات اداری-سیاسی سال ۱۳۸۵، کشور جمهوری اسلامی ایران به ۳۰ استان و ۱۰۱۶ نقطه شهری تقسیم شده است. با استفاده از روش تحلیل عاملی، درجه توسعه یافتگی هر یک از نقاط شهری استان‌های ایران در شاخص‌های توسعه محاسبه شد. نتایج به دست آمده در زمینه شاخص‌های توسعه، بیانگر آن است که در شاخص‌های بهداشتی و درمانی نقاط شهری استان مازندران، در شاخص‌های فرهنگی و آموزشی نقاط شهری استان زنجان، در شاخص‌های اقتصادی نقاط شهری استان یزد و در شاخص‌های ورزشی استان سیستان و بلوچستان، به عنوان برخوردارترین نقاط شهری استان‌های کشور شناخته شده‌اند.

تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵) ۱۵

جدول ۵: رتبه بندی نقاط شهری استان‌های کشور در شاخص‌های توسعه در سال ۱۳۷۵

نام استان	بهداشتی و درمانی		فرهنگی و آموزشی		اقتصادی		زیربنایی و مسکن		ورزشی		تلفیقی	
	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی
اردبیل	۲۴	۱۳/۳۴	۳	۱۳/۶۳	۲۴	۱۷/۵۳	۲۴	۱۰/۱۹	۲۴	۷/۰۳	۲۰	۶۱/۷۲
آذربایجان شرقی	۱۴	۱۵/۳۸	۱۸	۱۱/۳۰	۱۳	۱۹/۶۰	۷	۱۲/۹۶	۷	۸/۳۷	۱۶	۶۷/۶۰
آذربایجان غربی	۲۵	۱۳/۲۰	۲۴	۹/۶۶	۲۲	۱۷/۸۰	۲۵	۹/۳۳	۲۴	۶/۹۱	۲۵	۵۶/۹۰
بوشهر	۱۲	۱۵/۹۹	۱۲	۱۲/۴۸	۴	۲۳/۲۱	۱۹	۱۱/۴۰	۴	۹/۴۸	۵	۷۲/۵۶
چهارمحال و بختیاری	۶	۱۷/۸۴	۵	۱۳/۰۸	۱۹	۱۸/۷۸	۱۲	۱۲/۴۱	۲۱	۷/۰۲	۱۱	۶۹/۱۳
اصفهان	۱۵	۱۵/۳۴	۴	۱۳/۱۴	۱۵	۱۹/۴۱	۲	۱۴/۸۰	۷	۷	۹	۶۹/۶۸
فارس	۱۶	۱۵/۲۰	۱۵	۱۲/۳۷	۹	۲۰/۳۵	۱۱	۱۲/۴۸	۲۳	۶/۹۶	۱۸	۶۷/۳۶
گیلان	۷	۱۷/۳۶	۸	۱۲/۹۸	۳	۲۳/۵۶	۱۴	۱۱/۹۲	۱۴	۷/۴۳	۴	۷۳/۲۶
قم	۱	۱۹/۶۹	۲۳	۹/۹۲	۲۵	۱۷/۵۲	۶	۱۳/۱۶	۵	۹/۱۰	۱۰	۶۹/۳۸
همدان	۱۳	۱۵/۸۳	۱۷	۱۱/۸۷	۱۲	۱۹/۶۲	۹	۱۲/۵۲	۹	۷/۶۹	۱۷	۶۷/۵۴
هرمزگان	۹	۱۶/۹۹	۲۱	۱۰/۶۶	۲۲	۲۲/۳۴	۱۷	۱۱/۴۶	۱۷	۷/۳۶	۱۲	۶۸/۸۱
ایلام	۱۰	۱۶/۹۱	۱۰	۱۲/۵۵	۱۰	۲۰/۱۷	۱۰	۱۰/۷۱	۸	۸/۲۲	۱۵	۶۸/۵۶
کرمان	۸	۱۷/۱۱	۱۱	۱۲/۵۴	۸	۲۰/۴۸	۱۸	۱۱/۴۱	۱۹	۷/۱۲	۱۴	۶۸/۶۷
کرمانشاه	۲۳	۱۳/۳۹	۲۲	۱۰/۴۴	۲۰	۱۸/۰۵	۲۲	۱۰/۲۵	۶	۸/۴۵	۲۲	۶۰/۵۸
خراسان	۲۲	۱۳/۴۵	۱۶	۱۲/۰۲	۱۴	۱۹/۵۹	۴	۱۳/۲۸	۳	۱۰/۳۸	۱۳	۶۸/۷۱
خوزستان	۲۶	۱۳/۱۷	۲۰	۱۰/۷۸	۱۱	۱۸/۰۱	۱۶	۱۱/۷۷	۲۶	۶/۳۰	۲۳	۶۰/۰۲
کهگیلویه و بویراحمد	۳	۱۹/۲۷	۷	۱۲/۹۸	۱۷	۱۹/۱۳	۱۵	۱۱/۸۲	۹	۸/۱۸	۷	۷۱/۳۸
کردستان	۱۷	۱۵/۰۴	۲۵	۹/۵۸	۲۶	۱۷/۱۷	۲۳	۱۰/۲۵	۲۳	۷/۷۶	۲۴	۵۹/۸۱
لرستان	۱۹	۱۴/۸۲	۱۹	۱۱/۲۱	۲۳	۱۷/۵۵	۲۱	۱۰/۷۰	۱۵	۷/۴۲	۲۱	۶۱/۷۱
مرکزی	۲۱	۱۴/۶۱	۱۴	۱۲/۴۱	۶	۲۰/۹۸	۳	۱۳/۹۶	۱۰	۸/۱۲	۸	۷۰/۰۸
مازندران	۴	۱۸/۷۳	۹	۱۲/۷۸	۷	۲۰/۶۷	۱۳	۱۲/۲۱	۷/۱۳	۱۳	۶	۷۱/۵۲
سمنان	۲	۱۹/۳۲	۲	۱۴/۸۹	۲	۲۴/۸۱	۵	۱۳/۲۲	۲	۱۰/۵۳	۲	۸۲/۷۸
سیستان و بلوچستان	۲۰	۱۴/۷۶	۲۶	۷/۵۱	۱۸	۱۸/۹۷	۸	۱۳/۲۸	۲۵	۶/۵۹	۲۶	۵۵/۸۲
تهران	۱۱	۱۶/۱۵	۶	۱۳/۰۳	۱	۲۵/۳۱	۱	۱۶/۳۹	۱	۱۲/۵۵	۱	۸۳/۴۳
یزد	۵	۱۸/۱۱	۱	۱۵/۷۳	۲۰	۲۰	۱۰	۱۲/۵۲	۱۶	۷/۴۲	۳	۷۳/۷۸
زنجان	۱۸	۱۵/۰۲	۱۳	۱۲/۴۲	۱۶	۱۹/۳۹	۸	۱۲/۸۷	۱۳	۷/۵۰	۱۹	۶۷/۲۰
ضریب پراکندگی	-	۱/۳	-	۱/۴	-	۱/۱	-	۱/۴	-	۱/۸	-	۱/۱

از مجموع ۳۰ استان کشور، تهران، سمنان، یزد، مازندران، زنجان کهگیلویه و بویراحمد توسعه یافته هستند. ۱۷ استان کشور نیمه توسعه یافته است که چهارمحل و بختیاری در میان استان‌های نیمه توسعه یافته، رتبه اول و خوزستان در رتبه آخر قرار گرفته است و ۷ استان کشور در ردیف استان‌های محروم قرار گرفته‌اند. از این میان، سیستان و بلوچستان به عنوان محرومترین استان شناخته شده است (جدول ۴).

نکته درخور تأمل در سال ۱۳۸۵، این است که نقاط شهری استان سیستان و بلوچستان در شاخص‌های ورزشی به عنوان برخوردارترین استان است، در حالی که این استان در سال ۱۳۷۵ در شاخص بخش ذکر شده، از محرومترین استان‌های کشور به شمار می‌آید. همچنین استان زنجان که در سال ۱۳۶۵، از جمله استان‌های محروم محسوب می‌شد، در سال ۱۳۸۵ به ردیف استان‌های توسعه یافته پیوسته است.

با نگاه به جدول (۴)، روشن می‌شود که شکاف و واگرایی بین ناحیه‌ای در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ سیر نزولی پیدا کرده و همگرایی و تجانس بین نقاط شهری استان‌های ایران افزایش یافته است. این همگرایی و تجانس نسبی بین نقاط شهری در شاخص‌های تلفیقی بیشتر به چشم می‌خورد. جدول (۵) نیز گویای این امر است که در سال ۱۳۶۵ دو استان سمنان و تهران به عنوان استان‌های توسعه یافته بودند، در حالی که در سال ۱۳۸۵، ۶ استان تهران، سمنان، یزد، مازندران، زنجان و کهگیلویه و بویراحمد، استان‌های توسعه یافته را تشکیل می‌دهند. همچنین، این جدول نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۵، ۱۱ استان به عنوان محرومترین استان‌ها شناسایی شده‌اند، در حالی که در سال ۱۳۸۵ این تعداد به ۷ استان تنزل یافته است. ولی آنچه مهم است صعود در سلسله مراتب سطوح توسعه است که این امر به غیر از استان زنجان، برای بیشتر استان‌ها تحقق نیافته است؛ چنانکه استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و سیستان و بلوچستان از سال ۱۳۶۵ تغییری در سلسله مراتب سطوح توسعه نکرده‌اند و همچنان محرومترین استان‌های کشور را تشکیل می‌دهند.

تحلیلی بر روند نایربری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵) ۱۷

جدول ۶: رتبه بندی نقاط شهری استان‌های کشور در شاخص‌های توسعه در سال ۱۳۸۵

نام استان	بهداشتی و درمانی		فرهنگی و آموزشی		اقتصادی		زیربنایی و مسکن		ورزشی		تلفیقی	
	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی
آذربایجان شرقی	۱۱	۱۱/۳۲	۱۶	۱۵/۷۲	۱۶	۱۹/۰۹	۲۱	۱۱/۷۷	۱۵	۷/۸۰	۹	۶۵/۷۰
آذربایجان غربی	۱۰	۱۰/۲۴	۲۷	۱۳/۴۲	۲۸	۱۸/۳۵	۲۶	۹/۴۱	۲۹	۷/۶۳	۱۶	۵۹/۰۵
اردبیل	۱۰	۱۰/۹۲	۲۴	۱۴/۲۰	۲۷	۱۸/۴۸	۲۵	۱۱/۶۸	۱۸	۷/۷۵	۱۱	۶۳/۰۳
اصفهان	۱۱	۱۱/۰۴	۲۱	۱۱/۰۴	۱۳	۲۱/۱۱	۷	۱۴/۳۵	۲	۷/۵۲	۱۸	۷۰/۰۲
ایلام	۱۱	۱۱/۷۱	۱۴	۱۶/۹۱	۹	۱۹/۵۹	۱۸	۱۱/۰۳	۲۴	۷/۸۹	۷	۶۷/۱۳
بوشهر	۱۱	۱۱/۲۶	۱۸	۱۵/۷۳	۱۵	۲۰/۸۰	۱۱	۱۲/۱۵	۱۲	۷/۵۲	۱۹	۶۷/۴۶
تهران	۱۰	۱۰/۹۴	۲۳	۱۵/۷۱	۱۷	۲۳/۷۷	۲	۱۵/۷۷	۱	۱۳/۰۴	۲	۷۹/۲۴
چهارمحال و بختیاری	۱۴	۱۴/۴۱	۴	۱۷/۳۵	۶	۱۹/۹۰	۱۴	۱۲/۴۱	۱۱	۷/۸۳	۸	۷۱/۹۰
خراسان جنوبی	۱۴	۱۴/۹۸	۳	۱۷/۳۲	۷	۲۱/۰۹	۸	۱۰/۸۸	۲۵	۷/۴۰	۲۳	۷۱/۶۷
خراسان رضوی	۱۳	۱۳/۳۶	۷	۱۳/۳۶	۱۵	۱۹/۹۰	۱۳	۱۲/۹۸	۸	۷/۴۴	۲۰	۶۸/۶۹
خراسان شمالی	۱۲	۱۲/۱۳	۱۲	۱۵/۰۷	۲۱	۱۹/۴۴	۱۹	۱۰/۷۲	۲۶	۷/۴۳	۲۱	۶۴/۷۸
خوزستان	۱۱	۱۱/۳۱	۱۷	۱۴/۵۲	۲۴	۱۹/۶۲	۱۷	۱۱/۵۳	۲۲	۷/۳۲	۲۸	۶۴/۲۹
زنجان	۱۲	۱۲/۶۰	۹	۲۱/۴۳	۱	۲۱/۰۱	۱۰	۱۱/۵۹	۲۱	۸/۳۳	۴	۷۴/۹۷
سمنان	۱۵	۱۵/۰۹	۲	۱۹/۸۵	۲	۲۲/۸۲	۵	۱۳/۲۵	۷	۷/۷۷	۱۰	۷۸/۷۸
سیستان و بلوچستان	۲۸	۹/۷۹	۲۸	۱۱/۵۱	۳۰	۱۴/۶۷	۳۰	۶/۳۷	۳۰	۱۳/۱۴	۱	۵۵/۴۸
فارس	۱۱	۱۲/۲۳	۱۱	۱۶/۵۸	۱۱	۲۳/۲۳	۴	۱۱/۸۸	۱۳	۷/۶۸	۱۵	۷۱/۶۰
قزوین	۹	۹/۶۵	۲۹	۱۵/۴۴	۱۸	۱۹/۷۲	۱۶	۱۳/۶۳	۶	۷/۸۶	۷	۶۶/۲۹
قم	۸	۸/۷۷	۳۰	۱۴/۴۳	۲۵	۱۸/۸۶	۲۲	۱۲/۹۴	۹	۸/۴۹	۳	۶۳/۴۹
کردستان	۱۱	۱۱/۲۱	۲۰	۱۳/۳۹	۲۹	۱۶/۳۴	۲۹	۱۱/۱۶	۲۳	۷/۴۰	۲۴	۵۹/۴۹
کرمان	۱۱	۱۱/۲۳	۱۹	۱۶/۰۱	۱۲	۲۳/۶۶	۳	۱۰/۷۲	۲۷	۷/۳۳	۲۷	۶۸/۹۵
کرمانشاه	۱۰	۱۰/۸۲	۲۶	۱۴/۳۴	۲۶	۱۶/۶۲	۲۸	۱۱/۶۴	۲۰	۷/۶۹	۱۴	۶۱/۱۱
کهگیلویه و بویراحمد	۱۳	۱۲/۰۸	۱۳	۱۸/۸۴	۳	۲۲/۳۶	۶	۱۲/۶۳	۱۰	۷/۳۱	۲۹	۷۳/۲۳
گلستان	۱۴	۱۴/۲۲	۵	۱۵/۲۶	۲۰	۱۹/۲۴	۲۰	۱۱/۶۷	۱۹	۷/۷۰	۱۳	۶۸/۰۸
گیلان	۱۴	۱۴/۲۲	۶	۱۶/۹۷	۸	۱۹/۸۸	۱۵	۱۱/۸۴	۱۴	۷/۴۱	۲۲	۷۰/۳۲
لرستان	۱۰	۱۰/۹۴	۲۴	۱۴/۸۳	۲۳	۱۷/۶۰	۲۷	۱۱/۷۴	۱۶	۷/۵۲	۱۷	۶۲/۶۴
مازندران	۱۵	۱۵/۹۸	۱	۱۷/۷۲	۵	۲۱/۰۹	۹	۱۴/۲۲	۳	۷/۳۸	۲۶	۷۶/۳۸
مرکزی	۱۰	۱۰/۸۴	۲۵	۱۶/۷۹	۱۰	۲۰/۴۳	۱۲	۱۳/۸۰	۵	۸/۰۳	۵	۶۹/۸۸
هرمزگان	۱۰	۱۲/۵۱	۱۰	۱۵/۳۹	۱۹	۱۸/۷۳	۲۳	۱۰/۴۱	۲۸	۷/۷۳	۱۲	۶۴/۷۶
همدان	۱۱	۱۱/۵۱	۱۵	۱۵/۹۵	۱۴	۱۸/۵۳	۲۴	۱۱/۷۲	۱۷	۷/۲۷	۳۰	۶۴/۹۷
یزد	۸	۱۲/۶۹	۸	۱۸/۳۱	۴	۲۴/۰۹	۱	۱۴/۰۹	۴	۷/۴۰	۲۵	۷۶/۵۹
ضریب پراکنندگی	-	/۱۴	-	/۱۳	-	/۱۱	-	/۱۴	-	/۱۸	-	/۰۹

مأخذ: نگارندگان

جدول ۷: سطوح توسعه نقاط شهری استان‌های کشور براساس شاخص تلفیقی توسعه در سال‌های

۱۳۶۵، ۷۵ و ۸۵

۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵	
میزان برخورداری	نام استان‌ها	میزان برخورداری	نام استان‌ها	میزان برخورداری	نام استان‌ها
توسعه یافته	تهران، سمنان، یزد، مازندران، زنجان، کهگیلویه و بویراحمد.	توسعه یافته	تهران، سمنان.	توسعه یافته	سمنان، تهران.
نیمه توسعه یافته	چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، فارس، گیلان، اصفهان، مرکزی، کرمان، خراسان رضوی، گلستان، بوشهر، ایلام، قزوین، آذربایجان شرقی، همدان، خراسان شمالی، هرمزگان، خوزستان.	نیمه توسعه یافته	یزد، گیلان، بوشهر، مازندران، کهگیلویه و بویراحمد، مرکزی، اصفهان، قم، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان، خراسان، کرمان، ایلام، آذربایجان شرقی، همدان، فارس، زنجان.	نیمه توسعه یافته	کهگیلویه و بویراحمد، یزد، کرمان، مازندران، گیلان، مرکزی، اصفهان، خراسان، فارس، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان.
محروم	قم، اردبیل، لرستان، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان.	محروم	اردبیل، لرستان، کرمانشاه، خوزستان، کردستان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان.	محروم	بوشهر، آذربایجان شرقی، زنجان، همدان، آذربایجان غربی، خوزستان، ایلام، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، لرستان، کردستان.

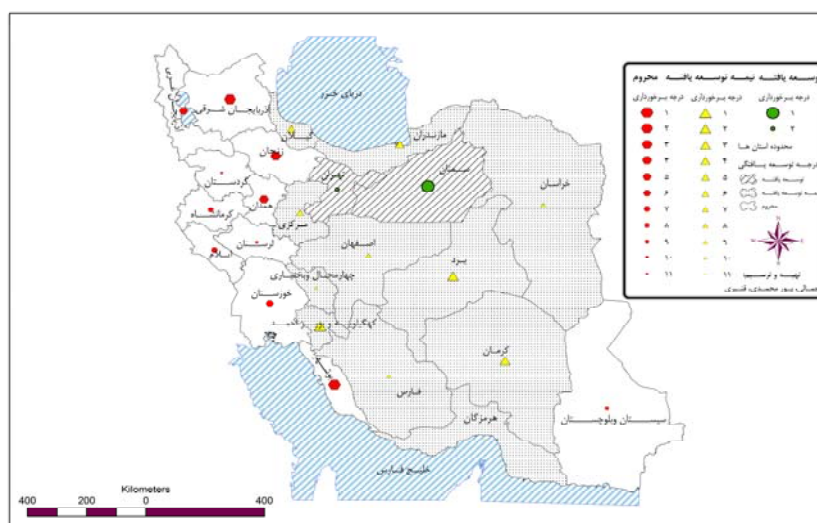
مأخذ: نگارندگان

با وجود همگرایی نسبی بین نقاط شهری استان‌های ایران، نابرابری‌های ناحیه ای در کشور هنوز وجود دارد؛ چنانکه این امر، برنامه ریزی‌ها را در کشور تحت الشعاع خود

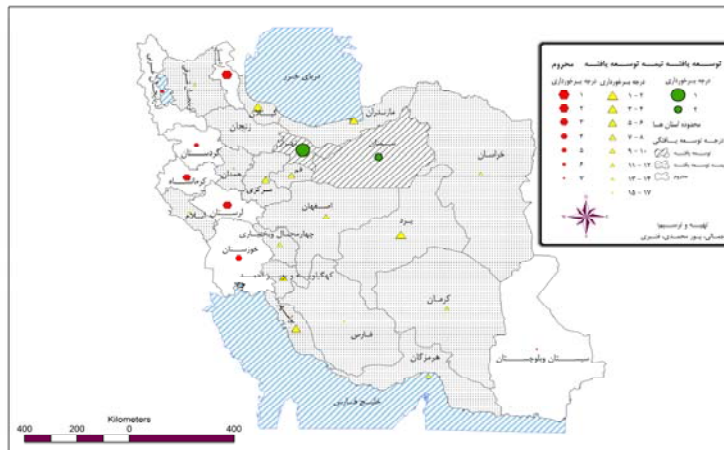
تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵) ۱۹

قرار داده است و در برنامه سوم توسعه به آن توجه ویژه ای شده است. با وجود نابرابری‌های ناحیه ای در کشور نمی توان به برنامه ریزی توسعه هماهنگ بین نواحی اقدام کرد، چرا که بخش دولتی به علت برخی ملاحظات سیاسی- اقتصادی یا اقتصاد سیاسی و بخش خصوصی بر پایه ملاحظات اقتصادی، کمبود زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی، نبود یا کمبود محرک‌های اقتصادی و غیر آن، در استان‌های محروم به سرمایه گذاری نمی پردازد.

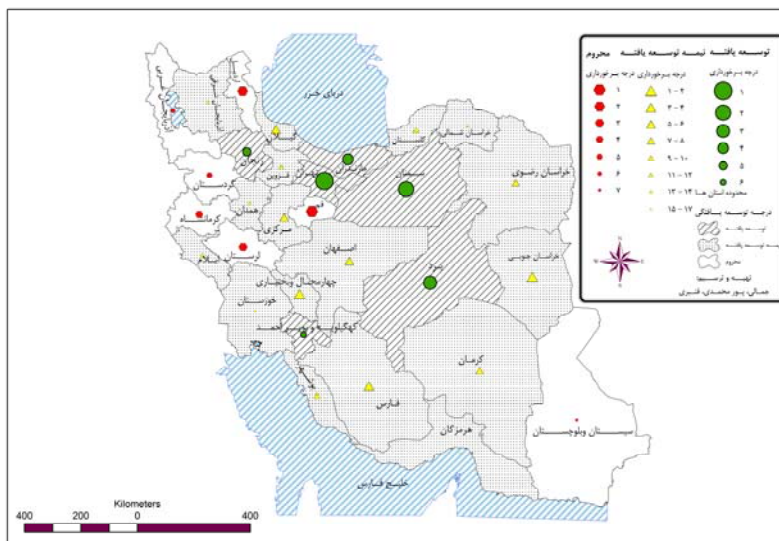
بنابراین، می توان گفت با چنین روند و برنامه ریزی‌هایی کمتر می توان به شکوفایی استان‌های محروم دست یافت؛ چنانکه اگر نابرابری‌های ناحیه ای با روند فعلی تداوم یابد به تضعیف وحدت و حاکمیت ملی می انجامد و در آینده، نابسامانی‌های بیشتر، بویژه در نواحی مرزی دور از انتظار نخواهد بود.



شکل ۱: سطوح توسعه نقاط شهری استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های تلفیقی توسعه در سال ۱۳۶۵



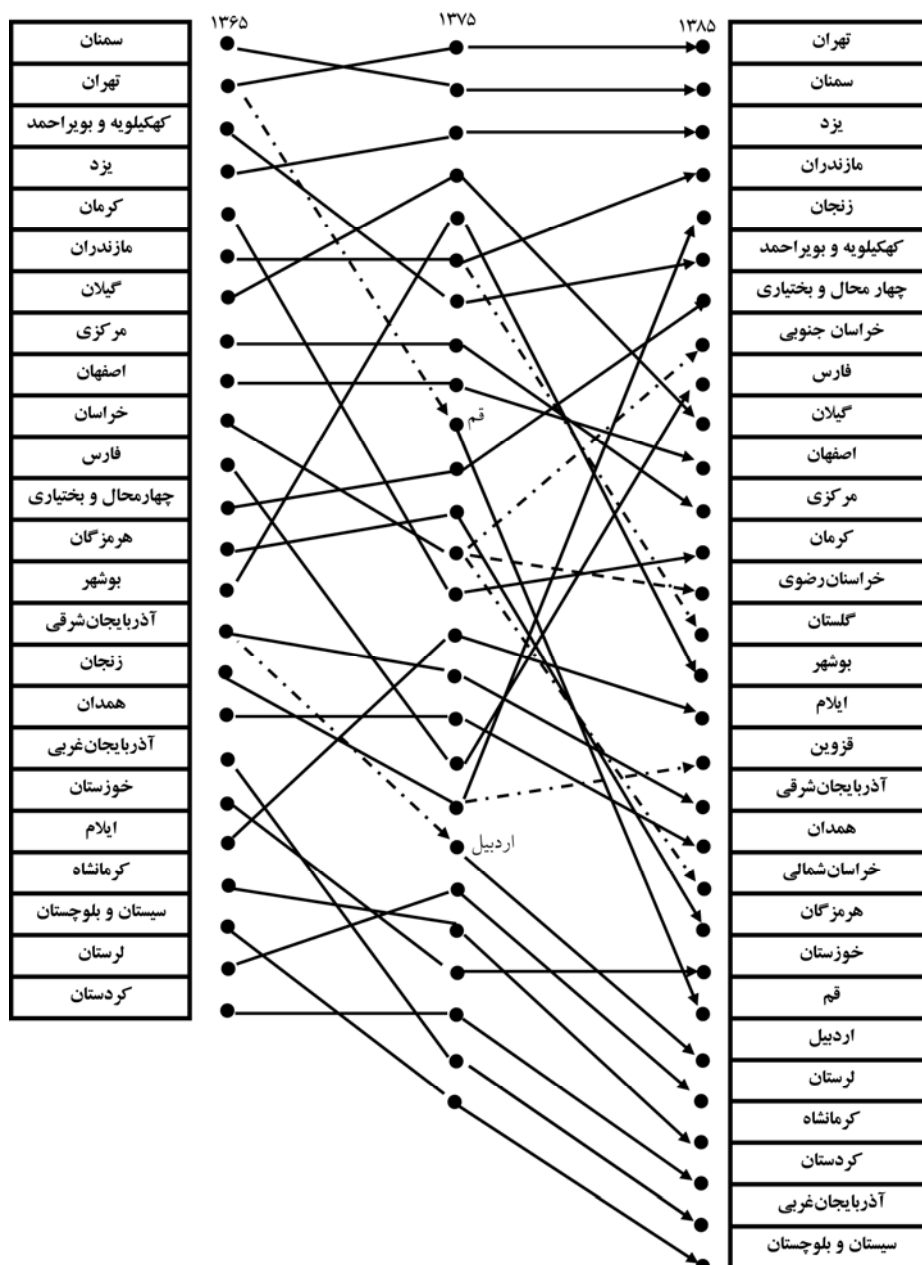
شکل ۲: سطوح توسعه نقاط شهری استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های تلفیقی توسعه در سال ۱۳۷۵



شکل ۳: سطوح توسعه نقاط شهری استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های تلفیقی توسعه در سال ۱۳۸۵

۱۳۸۵

مأخذ: نگارندگان



شکل شماره ۴: مقایسه جایگاه نقاط شهری استان‌های ایران در شاخص‌های تلفیقی توسعه در سال‌های ۷۵، ۱۳۶۵ و ۸۵. علامت نقطه چین (...) ناشی از تقسیم استان مورد نظر به استان یا استان‌های دیگر است. مأخذ: نگارندگان

روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران

در مباحث برنامه‌ریزی توسعه ناحیه‌ای، وجود نابرابری‌های ناحیه‌ای، امری اجتناب ناپذیر است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۳: ۱۰۸). بنابراین آنچه مورد تأکید است، پرهیز از عدم تعادل‌های شدید ناحیه‌ای است و نه دستیابی به برابری کامل (سلیمی فر، ۱۳۷۶، ۱۷۴). برای بررسی روند نابرابری‌های ناحیه‌ای در نقاط شهری استان‌های کشور از روش آماری ضریب پراکندگی استفاده شده است. با مقایسه ضریب پراکندگی شاخص‌های مختلف نقاط شهری استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۶۵، ۷۵ و ۸۵ به این نتیجه می‌رسیم که مقدار ضریب پراکندگی در همه شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش، به جز شاخص‌های زیربنایی و مسکن در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ کاهش یافته است (جدول ۸). افزایش تمرکز شاخص‌های زیربنایی و مسکن مورد بحث، ناشی از افزایش تقاضا برای مسکن از سوی جوانان، تغییر فرهنگ زندگی و تبدیل آن به خانواده هسته‌ای، کاسته شدن متراژ واحدهای مسکونی و در نتیجه، کاهش تعداد اتاق‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی در زیرساخت‌هاست.

با استناد به جدول (۸) مشخص می‌شود که شاخص‌های تلفیقی در سال ۱۳۸۵، نسبت به سال ۱۳۶۵ بیشترین کاهش و شاخص‌های زیربنایی و مسکن کمترین کاهش را داشته‌اند. این امر، بیانگر آن است که به غیر از استان‌های تهران و سمنان، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در نقاط شهری استان‌های کشور از حالت یکنواختی برخوردار بوده است و یا شاید بیانگر آن است که توسعه چندان در همه نواحی شکل نگرفته و نوعی حالت خمودی در میان آنها حاکم بوده است.

جدول ۸: مقایسه ضریب پراکندگی شاخص‌های توسعه استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۶۵، ۷۵ و ۸۵

شاخص‌ها	ضریب پراکندگی			درصد تغییرات ۶۵ به ۷۵	درصد تغییرات ۷۵ به ۸۵	درصد تغییرات ۶۵ به ۸۵
	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵			
بهداشتی و درمانی	/۱۴	/۱۳	/۱۴	-۷/۱۴	۷/۶۹	۰
فرهنگی و آموزشی	/۱۴	/۱۴	/۱۳	۰	-۷/۱۴	-۷/۱۴
اقتصادی	/۱۱	/۱۱	/۱۱	۰	۰	۷/۶۹
زیربنایی و مسکن	/۱۳	/۱۴	/۱۴	۷/۶۹	۰	۰
ورزشی	/۱۸	/۱۸	/۱۸	۰	۰	-۱۸/۱۸
تلفیقی	/۱۱	/۱	/۰۹	-۹/۱	-۱۰	-۱۸/۱۸

مأخذ: نگارندگان

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، ۵۴ شاخص انتخابی توسعه از طریق روش تحلیل عاملی بررسی گردید. برابر بررسی انجام گرفته، در سال ۱۳۶۵ با آنکه نقاط شهری استان کهگیلویه و بویراحمد در شاخص‌های بهداشتی و درمانی به عنوان برخوردارترین ناحیه شناخته شد، اما با توجه به شاخص‌های تلفیقی توسعه، نقاط شهری استان‌های سمنان و تهران به عنوان برخوردارترین ناحیه و نقاط شهری استان‌های سیستان و بلوچستان، لرستان و کردستان به عنوان محرومترین ناحیه مشخص شده‌اند. در سال ۱۳۷۵، نتایج بررسی بیانگر آن است که در بالای سلسله مراتب سطوح توسعه نقاط شهری استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های تلفیقی تفاوت چندانی به وجود نیامده است و تنها تغییر در میانه سلسله مراتب سطوح توسعه دیده می‌شود، که بر اساس آن نقاط شهری استان‌های ایلام، آذربایجان شرقی،

همدان و زنجان، از ردیف استان‌های محروم جدا و به استان‌های نیمه توسعه یافته صعود پیدا کرده اند.

با آنکه نقاط شهری استان قم در شاخص‌های بهداشتی و درمانی، نقاط شهری استان یزد در شاخص‌های فرهنگی و آموزشی و نقاط شهری استان اصفهان در شاخص‌های زیربنایی و مسکن در ردیف رتبه‌های اول و دوم قرار گرفته اند، در پایان، این نقاط شهری استان‌های تهران و سمنان هستند که با توجه به شاخص‌های تلفیقی در ردیف بالای سلسله مراتب سطوح توسعه نقاط شهری کشور قرار گرفته‌اند.

در سال ۱۳۸۵ از مجموع ۳۰ استان کشور، تهران، سمنان، یزد، مازندران، زنجان، کهگیلویه و بویراحمد توسعه یافته هستند. ۱۷ استان کشور نیمه توسعه یافته‌اند که چهارمحل و بختیاری در میان استان‌های نیمه توسعه یافته رتبه اول و استان خوزستان در رتبه آخر قرار گرفته است و ۷ استان کشور در ردیف استان‌های محروم قرار گرفته‌اند که از این میان سیستان و بلوچستان به عنوان محرومترین استان شناخته شده است. نکته قابل تأمل در سال ۱۳۸۵ این است که نقاط شهری استان سیستان و بلوچستان در شاخص‌های ورزشی به عنوان برخوردارترین استان است. در حالی که این استان در سال ۱۳۷۵ در شاخص ذکر شده، از جمله استان‌های محروم کشور به شمار می‌آمد. همچنین، نقاط شهری استان زنجان که در سال ۱۳۶۵ از زمره استان‌های محروم به حساب می‌آمد، در سال ۱۳۸۵ به ردیف استان‌های توسعه یافته صعود پیدا کرده است. شاید این امر، ناشی از نزدیکی به مرکز و نقش پشتیبانی این استان برای استان تهران باشد.

تنوع شاخص‌ها در زمینه‌های بهداشتی و درمانی، فرهنگی و آموزشی، اقتصادی، زیربنایی و مسکن و ورزشی، گویای آن است که نابرابری در بیشتر بخش‌ها وجود دارد؛ با این تفاوت که در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ در شاخص‌های مورد مطالعه و در نقاط شهری استان‌های ایران، از میزان نابرابری‌ها تا حدودی کاسته شده و گرایش به

تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵) ۲۵

تعادل ایجاد شده است؛ چنانچه در شاخص‌های تلفیقی در سال ۱۳۸۵، نسبت به سال ۱۳۶۵، بیشترین کاهش و در شاخص‌های زیربنایی و مسکن کمترین کاهش را داشته‌اند. این امر، مبین آن است که به غیر از استان‌های تهران و سمنان، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در نقاط شهری استان‌های کشور از حالت یکنواختی برخوردار بوده و یا شاید گویای آن است که توسعه چندانی در هیچ یک از نواحی صورت نگرفته و نوعی حالت رکود در میان آنها حاکم بوده است. بنابراین، می‌توان گفت که با چنین روند و برنامه ریزی‌هایی کمتر می‌توان به شکوفایی استان‌های محروم دست یافت، چنانچه اگر نابرابری‌های ناحیه‌ای با روند فعلی تداوم یابد، به تضعیف وحدت و حاکمیت ملی می‌انجامد و در آینده نابسامانی‌های بیشتر، بویژه در نواحی مرزی دور از انتظار نخواهد بود.

منابع

- ۱- بدری، سیدعلی و سعیدرضا اکبریان رونیزی. (۱۳۸۵). «مطالعه تطبیقی کاربرد روش‌های سنجش توسعه یافتگی در مطالعات ناحیه‌ای»، *مجله جغرافیا و توسعه*، ش پیاپی ۷ (بهار و تابستان).
- ۲- حکمت‌نیا، حسن و میرنجف موسوی. (۱۳۸۳). «بررسی و تحلیل روند تغییرات سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان یزد (۱۳۷۵-۱۳۵۵)»، *مجله جغرافیا و توسعه*، ش پیاپی ۴ (پاییز و زمستان).
- ۳- رئیس‌دانا، فربرز. (۱۳۸۴). «اندازه‌گیری شاخص و پویای فقر در ایران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره ۴، ش ۱۷ (تابستان).
- ۴- زالی، نادر و ابوالفضل قنبری هفت‌چشمه. (۱۳۸۳). «بررسی و تحلیل نگرش‌های جغرافیایی در توسعه منطقه‌ای و تطبیق آن با ویژگی‌های استان آذربایجان شرقی»، نشریه علمی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز (ویژه‌نامه جغرافیا)، سال دهم، ش پیاپی ۱۵ (بهار).
- ۵- زیاری، کرامت‌الله. (۱۳۷۷). «مدل‌های تحلیلی فقر، توزیع درآمد و نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال سیزدهم، ش ۱. شماره پیاپی ۴۸ (بهار).

- ۶- _____ (۱۳۷۹). «سنجش درجه ی توسعه یافتگی فرهنگی استان‌های ایران». نامه علوم اجتماعی، شماره ۸، پیاپی ۱۶ (پاییز و زمستان).
- ۷- _____ (۱۳۸۱)؛ شناسایی سطوح توسعه در مناطق ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران، شماره ۵۱-۵۰. پیاپی ۱۶۲-۱۶۳ (تابستان و پاییز).
- ۸- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، برگرفته از سایت مرکز آمار ایران به نشانی: <http://www.Sci.org.ir>.
- ۹- سلیمی فر، مصطفی. (۱۳۷۶)؛ «ناهمگونی‌های اقتصادی منطقه‌ای در ایران»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۲۲-۱۲۱ (مهر و آبان).
- ۱۰- سن، آمارتیا. (۱۳۷۹). برابری و آزادی، مترجم: حسن فشارکی، تهران: شیرازه.
- ۱۱- قنبری هفت چشمه، ابوالفضل و کریم حسین‌زاده ی دلیر. (۱۳۸۴). «تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی (۱۳۷۵)»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۵ (پاییز و زمستان).
- ۱۲- کلانتری، خلیل. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، تئوری‌ها و تکنیک‌ها، تهران: انتشارات خوشبین و انوار دانش.
- ۱۳- مرکز آمار ایران (۱۳۶۶). سالنامه آماری سال یک‌هزار و سیصد و شصت و پنج کشور، تهران: مرکز آمار ایران.
- ۱۴- _____ (۱۳۷۶)؛ سالنامه آماری کشور ۱۳۷۵، تهران: مرکز آمار ایران.
- ۱۵- _____ (۱۳۸۶)؛ سالنامه آماری کشور ۱۳۸۵، تهران: مرکز آمار ایران.
- ۱۶- موسوی، میرنجف. (۱۳۸۲). سنجش درجه توسعه یافتگی نواحی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر کرامت الله زیاری، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، یزد: دانشگاه یزد.
- ۱۷- نوربخش، فرهاد. (۱۳۸۲). «توسعه انسانی و نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران: الگویی برای سیاست‌گذاری»، اقتصاد سیاسی، شماره ۲ (تابستان).
- ۱۸- وزارت آموزش و پرورش - دفتر آمار، برنامه ریزی و بودجه. (۱۳۸۵). آمار آموزش و پرورش - سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، تهران: وزارت آموزش و پرورش - دفتر آمار، برنامه ریزی و بودجه.
- ۱۹- _____ (۱۳۶۷)؛ آمار آموزش و پرورش سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵، تهران: وزارت آموزش و پرورش - دفتر هماهنگی طرح‌ها و برنامه ریزی توسعه.

تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵) ۲۷

۲۰- وزارت آموزش و پرورش - دفتر هماهنگی و تلفیق طرح‌ها و برنامه‌ها (۱۳۷۶)؛ آمار آموزش و پرورش

- سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶، تهران: وزارت آموزش و پرورش - دفتر هماهنگی و تلفیق طرح‌ها و برنامه‌ها.

۲۱- یاسوری، مجید. (۱۳۸۴)؛ «سیاست‌گذاری منطقه‌ای و چگونگی نابرابری‌ها در کشور»، اطلاعات سیاسی -

اقتصادی، شماره ۲۱۲-۲۱۱ (فروردین و اردیبهشت).

22. Amirahmadi, Hooshang(1986).“**Regional Planning in Iran: A Survey of Problems and Policies**”, The Journal of Developing Areas, Vol. 20 (July). [http:// www.amirahmadi.com](http://www.amirahmadi.com).

23. Amirahmadi, Hooshang & Farhad Atash(1987).“**Dynamics of Provincial Development and Display in Iran 1956-1984**”, TWPR, Vol. 9. Issue. 2,PP:156-185. [http:// www.amirahmadi.com](http://www.amirahmadi.com).

24. Amirahmadi, Hooshang(1990).“**Incongruities Between the Theory and Perception of Regional Development in less Development Countries: Toward Bridging the Gap**”, In: Breaking the Boundaries: A One – World Approach to Planning Education, Bishwapria Sanyal (eds), New York: Pilenum Press,PP: 211-230. [http:// www.amirahmadi.com](http://www.amirahmadi.com).

25. Couclelis, H(1999). **Spatial Information Technologies and Societal Problems**, In: M. Craglia and H. Onsrud (Editors), **Geographic Information Research: Trans-Atlantic Perspectives**, London: Taylor and Francis.

26. Dupont, Vincent(2007).“**Do Geographical Agglomeration, Growth and Equity Conflict?**” Regional Science, Vol. 86, No. 2(June).

27. European Commission(1998). **Non – Monetary Indicators of Poverty and Social Exclusion**, Brussels: European Commission.

28. European Communities(2000). **The Urban Audit. Towards the Benchmarking of Quality of Life in 58 European Cities**, Volume I: The Yearbook, Luxemburg.

29. Held, David & Ayse Kaya(2007).“**Introduction**”, In David Held & Ayse Kaya (eds), **Global Inequality**, Cambridge: Polity Press, pp: 1-25.

30. <http://www.Sport.ir>.

31. <http://www.tavanir.org.ir>.

32. Kalantari, Khalil(1996).“**Identification of Backward Regions in Iran**”, Quarterly Journal of Geographical Research, Vol.13, No.1, PP: 120-131.

33. Kalantari, Khalil(1996).“**Intra Provincial Disparities in the Dewelopment Process in Iran**”, Annals of the National Association of Geographers, Vol. XVI, No.2, PP: 67-79.

34. Pacione, M(2003). **Urban Geography, A Global Perspective**, 2th, London: Routledge.

35. Petrakos, George & Yiannis Saratsis (2000).“**Regional Inequalities in Greece**”, Regional Science, Vol. 79, Issue. 1 (January).

36. Shankar, Raja & Anwar Shah(2003).“**Bridging the Economic Divide Within Countries: A Scorecard on the Performance of Regional Policies in Reducing Regional Income Disparities**”, World Development, Vol.31, No.8, PP:1421-1441.

37. Sharbatoghlie, Ahmad(1991). **Urbanization and Regional Disparities in Post – Revolutionary Iran**, Boulder: Westview Press.

38. Skop, Emily(2006).“**Introduction – Urban Space: The Shape of Inequality**”,Urban Geography, Vol. 27,No.5(July- August).

39. Smith, D. M(1994). **Geography and Social justice**, Oxford: Blackwell.
40. Smith, Neil(1984). **Uneven Development**, London: Basil Blackwell.
41. Soja, Edward(1980).“**The Socio – Spatial Dialectic**”, Annals of the Association of American Geographers, Vol.70, No.2, PP: 207-225.
42. The World Bank(1996). **UMP Working Paper Series. Urban Poverty Research Sourcebook. Module II: Indicators of Urban Poverty**. The World Bank, Washington.
43. United Nations Centre for Human Settlements(1995). **Indicators programme, vols 1, 2,3, UNCHS**, Nairobi.
44. United Nations Development Program(2005). **Human Development Report 2005**, New York: UNDP.
45. United Nations Development Program(2000). **Human Development Report 2000**, Oxford: Oxford University Press.
46. Williamson, Jeffery G(1965).“**Regional Inequality and the Process of National Development**”, Economic Development and Cultural Change, Vol.13, No.4, PP: 3-45.